

واکاوی رابطه «انتظار» و «قدرت» از دیدگاه آیت الله خامنه‌ایعزالدین رضانژاد^۱قنبرعلی صمدی^۲**چکیده**

یکی از آموزه‌های فاخر در تفکر شیعی، مفهوم «انتظار» است. انتظار، به معنای اعتقاد به ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف و ایجاد تحول بنیادین در آینده تاریخ است. این بحث دارای جنبه‌های مختلفی است که یکی از ابعاد مهم آن، رابطه انتظار با مقوله «قدرت» به مفهوم سیاسی است. مقاله حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی این موضوع از منظر حضرت آیت الله خامنه‌ای پرداخته است. براساس یافته‌های تحقیق، در نگاه از منظر ایشان، انتظار با تلاش و مجاهدت برای حاکمیت دین در همه عرصه‌های زندگی، معنا می‌یابد. انتظار به این معنا، با مفهوم «قدرت» پیوند وثیقی دارد؛ به گونه‌ای که تلاش برای حاکمیت دینی و اقتدار سیاسی، از الزامات انتظار حقیقی شمرده می‌شود و مهم‌ترین رسالت جامعه منتظر در عصر غیبت، مبارزه هدفمند با جریان باطل برای تغییر وضعیت استضعاف اجتماعی به اقتدار سیاسی است. تحقق این هدف، در پرتو اعتقاد راسخ به پیروزی جبهه حق و نقش آفرینی مؤثر برای ایجاد بنیادهای اجتماعی قدرت، امکان پذیر است.

واژگان کلیدی: انتظار، مهدویت، جامعه منتظر، قدرت، اقتدار، استضعاف، آیت الله خامنه‌ای

۱. استاد تمام جامعه المصطفی العالمیه عالمیه و عضو پیوسته انجمن کلام حوزه علمیه قم، ایران. rezanejad39@yahoo.com

samadi313@gmail.com

۲. پژوهشگر همکار پژوهشگاه بین المللی المصطفی، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

۱. مقدمه

یکی از مختصات برجسته نگرش شیعی در موضوع مهدویت، انتظار ظهور، به مفهوم پیوند ایمانی، عاطفی و رفتاری انسان منتظر با حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است. انتظار برخاسته از عقیده به مهدویت، باور صرفاً ذهنی و بریده از رفتار و عمل نیست، بلکه حالت روحی-روانی است که نگرش‌ها، گرایش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان منتظر را در حوزه‌های دین، اخلاق، فرهنگ، سیاست، اقتصاد، تمدن و غیره، تبیین می‌کند. این معنا از انتظار، مستلزم نگرش جامع و کاربردی نسبت به مفهوم، آثار و پیامدهای شگرف اعتقادی، اجتماعی و سیاسی آموزه انتظار است.

یکی از وجوه مهم بحث انتظار-که تا حدودی مغفول واقع شده است- بررسی رابطه «انتظار» با مفهوم «قدرت» در تفکر دینی و تأثیرات سیاسی اجتماعی آن، در چگونگی زیست انسان منتظر و ایجاد وضع مطلوب است. تبیین آثار عمیق آموزه انتظار در شیوه زندگی و ایجاد تحول در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی، مستلزم آن است که کارکردهای سیاسی اندیشه انتظار و نقش آن در تولید اقتدار اجتماعی جامعه منتظر، مورد توجه قرارگیرد.

در میان اندیشمندان اسلامی معاصر، حضرت آیت الله خامنه‌ای، از معدود مصلحان نو اندیشی است که با جامع‌نگری و ژرف‌اندیشی خاصی، کارکردهای سیاسی اجتماعی مسئله انتظار را، مورد توجه قرار داده و ابعاد مختلف این مسئله را، به روشنی تبیین کرده است. از دیدگاه ایشان، معنای حقیقی «انتظار» پیوند عمیقی با مفهوم «قدرت» و سیاست دارد و تلاش برای شکل‌گیری حکومت دینی و در اختیار گرفتن قدرت سیاسی، از الزامات مفهومی انتظار حقیقی شمرده می‌شود.

تفکر انتظار در بعد سیاسی، همواره در تقابل با سیطره جریان باطل و استیلای قدرت‌های طاغوتی، قرار داشته و به نفی حاکمیت هرنوع طاغوت در درون جامعه اسلامی و فراتر از آن معطوف است. این رویارویی و تقابل، ناشی از ماهیت ضد طاغوتی تفکر دینی در باب حکومت و قدرت است. از آن‌جا که تداوم حاکمیت جریان باطل، امکان حضور سیاسی جامعه منتظر را از آنان سلب کرده است و آنان همواره در محکومیت و استضعاف تاریخی قرار داشته‌اند؛ این پرسش اساسی قابل طرح است که «انتظار» با «قدرت» چه نسبتی دارد و فرایند شکل‌گیری قدرت در تقابل جامعه حق با جریان باطل چگونه است؟ نوشتار حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، به بررسی



پاسخ این پرسش و تبیین نقش قدرت در شکل‌گیری مفهوم انتظار و الزامات انتظار معطوف به قدرت از منظر مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، می‌پردازد. در این زمینه به‌طور عام، مقالاتی راجع به قدرت و اقتدار نگاشته شده است؛ مانند ۱. «مدل سازی مؤلفه و ابعاد قدرت علمی جمهوری اسلامی بر اساس اندیشه‌های مقام معظم رهبری»، (رشیدی و وردادی، ۱۳۹۷: ص ۲۹-۵۱).

۲. «بررسی تطبیقی مبادی و مبانی قدرت در اندیشه سیاسی غرب و اسلام (مطالعه موردی اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران)» (صالحی و مشتاقی، ۱۳۹۲: ص ۱۲۳-۱۵۰). ۳. «تأثیر اقتدار دفاعی بر اقتدار سیاسی از دیدگاه امام خامنه‌ای» (کلانتر، ۱۳۹۸: ص ۳۹-۶۱). ۴. «فرایند تکامل قدرت و اقتدار در اندیشه امام خامنه‌ای مدظله العالی» (رفیعی و زاهدی، ۱۴۰۱: ص ۹۹-۱۲۳). ۵. «استحکام درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران در اندیشه مقام معظم رهبری با تأکید بر مؤلفه‌های دفاعی-امنیتی»، (قنبری و آذر شب، ۱۳۹۵: ص ۱۹۳-۲۱۲). و... در این گونه مقالات بیش‌تر از منظر دین و انقلاب اسلامی و با رویکرد دفاعی به مسئله قدرت و اقتدار پرداخته شده است، اما با نگاه مهدوی و به‌طور خاص در زمینه رابطه انتظار و قدرت از منظر مقام معظم رهبری، تاکنون کاری صورت نگرفته است.

۲. مفهوم شناسی

۱-۲. انتظار

۱-۱-۲. مفهوم انتظار

واژه «انتظار» در لغت، از ریشه «نظر»، به معنای چشم داشتن، نظاره گر بودن (جوهری، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۸۳) و مراقب بودن (زبیدی، ۱۴۱۴: ج ۷، ص ۵۳۹)؛ توقع امری را داشتن و درنگ کردن در کاری آمده است و نیز به معنای امیدواری، لحظه شماری و مترصد بودن امری ذکر شده است (بستانی، ۱۳۷۵: ص ۹۲). واژگانی چون: «تائی» (تأمل کردن) و «ترقب» (گردن کشیدن) و «تربص» (در کمین نشستن)، از مترادف‌های معنایی آن شمرده می‌شود.



انتظار در فرهنگ شیعی، به معنای اعتقاد به حتمی بودن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اشتیاق فرارسیدن روزی است که با آمدن آن حضرت، گشایش عظیمی در زندگی بشر پدید آید. این معنا از انتظار، برگرفته از روایاتی است که حالت انتظار جامعه اسلامی در دوران غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بازگو می‌کند. «منتظر»، به کسی گفته می‌شود که چشم به راه و متوقع چیزی باشد. از منظر روایات، عمل به تکالیف دینی و سیاسی، لازمه انتظار صحیح شمرده می‌شود. از این رو، از آن به «افضل اعمال امت» تعبیر شده است: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي أَنْتِظَارُ الْفَرَجِ» (صدوق، ۱۳۶۳: ج ۲، ص ۶۴۴). چنین انتظاری، مستلزم امید و تلاش و حرکت برای ایجاد دگرگونی بنیادی و فراگیر است. چنین انتظاری، مستلزم تلاش برای اجرای تعالیم الهی و الگوپذیری از رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام در همه امور زندگی است.

۲-۱-۲. انتظار از دیدگاه رهبری

در بیانات رهبر معظم انقلاب، «انتظار» به معنای مترصد بودن و طلب گشایش همراه با جدیت و تلاش (بیانات در دیدار استادان و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۰۴/۱۸) و آماده بودن برای فداکاری در این راه، معنا شده است. ایشان، حقیقت انتظار را، طلب گشایش گره‌های فروبسته‌ای می‌داند که مانع پیشرفت و ترقی جامعه گردیده و در تفسیر این معنا، می‌فرماید:

«مسئله انتظار، از آن کلید واژه‌های اصلی فهم دین و حرکت اساسی و عمومی و اجتماعی امت اسلامی به سمت اهداف والای اسلام است» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۶/۰۲/۲۰)؛ «انتظار فرج؛ فرج یعنی چه؟ یعنی گشایش. کی انسان انتظار فرج دارد؟ انتظار گشایش دارد؟ وقتی یک فروبستگی‌ای وجود داشته باشد، وقتی گره‌های هست، وقتی مشکلی هست. در زمینه وجود مشکل، انسان احتیاج پیدا می‌کند به فرج؛ یعنی سرانگشت گره‌گشا؛ بازکننده عقده‌های فروبسته. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای این که فرج برای همه بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده بشر را نجات بدهد. این، معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیرعادلانه، این نظم بشری که در آن انسان‌های بیشماري مظلوم واقع می‌شوند، دل‌های بیشماري گمراه می‌شوند، انسان‌های بی شماری فرصت عبودیت خدا را



پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان است. انتظار فرج، یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنای انتظار فرج است» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۷۸/۵/۲۷).

با این نگرش، آیت الله خامنه‌ای، حرکت و تلاش و آماده باش دائم برای اجرای وظیفه را، از لوازم انتظار حقیقی شمرده، می‌گوید:

«انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال «آماده باش» است. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کل جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است. انتظار یعنی باید دائم در حال «آماده باش» باشید. این انتظار، مستلزم صلاح و عمل است؛ باید خودمان را اصلاح کنیم، باید اهل عمل به آن چیزی باشیم که دل آن بزرگوار را شاد می‌کند. اگر بخواهیم این جور عمل بکنیم و این صلاح و اصلاح را برای خودمان فراهم بکنیم، طبعاً نمی‌توانیم به عمل فردی اکتفا کنیم. در محیط جامعه، در محیط کشور، در محیط جهانی هم وظایفی هست که باید انجام بدهیم» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۱۳۹۶/۵/۲۰).

بنابراین، اولاً، مفهوم انتظار در نگرش آیت الله خامنه‌ای، صرفاً یک باور ذهنی و بریده از رفتار و عمل نیست بلکه یک اندیشه پویا، الهام بخش و معطوف به چگونگی حیات انسان بوده و نحوه رفتار فردی و اجتماعی انسان را در حوزه‌های دین، اخلاق، سیاست، اقتصاد، تمدن و غیره، تبیین می‌کند؛ ثانیاً، انتظار، مستلزم تلاش و اهتمام به وظایف دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دیگر الزامات این آموزه الهی، در عرصه‌های داخلی و جهانی است.

۲-۲. قدرت

۱-۲-۲. مفهوم قدرت

واژه «قدرت» در زبان فارسی و عربی به معنای توانایی و داشتن قوه انجام دادن کار یا مغلوب ساختن دیگری برای رسیدن به مطلوب، به کار می‌رود (ر.ک: دهخدا، ۱۳۴۱)؛ مرادف کلمه «استطاعت»، «سلطه» که به مفهوم توانایی داشتن است.



در جامعه شناسی سیاسی، «قدرت» (power) به توانایی تحمیل اراده یک فرد بر دیگران، حتی برخلاف میل آن‌ها، معنا شده است. «قدرت سیاسی» (political power) آن نوع از قدرتی است که یک فرد یا گروه در درون جامعه برای تأثیرگذاری و کنترل زندگی سایر افراد و گروه‌ها دارا هستند. قدرت به این معنا، مهم‌ترین مفهوم سامان بخش سیاست در وضعیت اجتماعی است که به دو شکل «قدرت سخت» و «قدرت نرم»، بروز و ظهور می‌کند. قدرت سخت به استفاده از زور و اجبار برای اعمال اراده بر دیگران اشاره دارد که به «اقتدار» می‌انجامد؛ اما قدرت نرم، به جلب رضایت و همکاری بدون اجبار همراه بوده و از عنصر «مشروعیت» برخوردار است (صباغیان، علی، سایت روزنامه همشهری ۱۲۲).

اندیشوران علم سیاست، هرکدام از زاویه خاصی به تعریف «قدرت» پرداخته‌اند. عبدالرحمان عالم، قدرت را به معنای توانایی عملی کردن خواست‌ها به‌رغم مخالفت دیگران، معنا کرده است (عالم، ۱۳۷۳: ص ۹۰). وی مشارکت در تصمیم‌گیری و توانایی نفوذ بر دیگران را از لوازم مفهومی قدرت می‌داند و معتقد است کاربرد غالب این واژه، عرصه سیاست است. آنچه روابط انسان‌ها در جوامع گوناگون را از یکدیگر متمایز می‌سازد، مسئله قدرت است. مبارزه احزاب و حکومت‌های گوناگون، همگی برای کسب یا حفظ و یا نمایش قدرت است. در عرصه جهانی و روابط بین‌الملل نیز، محور مبارزه و جدال، قدرت است (همان، ص ۸۸). برخی اهل تحقیق، قدرت را مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی می‌دانند که موجب به اطاعت درآوردن فرد یا گروه، توسط فرد یا گروه دیگر می‌گردد (عمید زنجانی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۵۶). برخی دیگر گفته‌اند قدرت توانایی و داشتن دیگران به تسلیم در برابر خواست خود به هر شکلی است (آشوری، ۱۳۷۰: ص ۲۴۷)، هم چنین گفته شده است: قدرت عبارت است از: وجود اراده‌ای مستول و چیره که اراده‌های دیگر در طول آن قرار دارد (بخشایشی، ۱۳۹۸: ص ۷۳).

بنابراین، می‌توان گفت قدرت نوعی توانایی، سیطره و اعمال اراده سیاسی و مدیریتی است. «قدرت» به این معنا، هر نوع توانایی فکری و عملی برای ایجاد شرایط و نتایج مطلوب را در بر می‌گیرد؛ شکل‌ها و سطوح این توانایی متفاوت است؛ گاهی این توانایی در اعمال نفوذ و

تأثیرگذاری در تغییر رفتار یا نگرش دیگران است، گاهی توانایی در تحمیل اراده و تامین هدف یا نتیجه‌ای مورد نظر صاحبان قدرت است.

۲-۲-۲. معنای قدرت از دیدگاه رهبری

در بیانات رهبر معظم انقلاب نیز، واژه «قدرت» به معنای توانایی به کار رفته است؛ توانایی که اقتدار و توانمندی را به همراه دارد. ایشان با نگاه مصداقی به این موضوع، در تبیین مولفه‌های قدرت، می‌فرماید:

«آنچه که در درجه اول در ایجاد قدرت ملی مهم است، به نظر من دو چیز است: یکی علم است، یکی ایمان. علم مایه قدرت است؛ هم امروز و هم در طول تاریخ؛ در آینده هم همین جور خواهد بود. این علم یک وقت منتهی به یک فناوری خواهد شد، یک وقت هم نخواهد شد. خود دانش مایه اقتدار است؛ ثروت آفرین است؛ قدرت نظامی آفرین است؛ قدرت سیاسی آفرین است (بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳).» در یک روایتی از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود: «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ، مَنْ وَجَدَهُ صَالًا وَ مَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَيِّلًا عَلَيْهِ (صبحی صالح، ۱۳۹۴: ج ۲۰، ص ۳۱۹)؛ یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هرکسی که علم را پیدا کند، می‌تواند فرمانروایی کند؛ هر ملت که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند» (بیانات در دیدار با مسولان نظام ۱۳۶۹/۴/۲۰).

بنابراین، علم عامل تولید قدرت است، اما ایمان آن را حفظ، تقویت و بارور می‌سازد. رشد علمی، موجب صولت و آقایی است و به ایجاد فن‌آوری و تولید ثروت و قدرت می‌انجامد و استقلال و اقتدار یک ملت را تضمین می‌کند. از این رو، رهبر معظم انقلاب در باره تأثیرات قدرت اقتصادی در تحقق اقتدار سیاسی و استقلال ملی، می‌گوید:

«اقتدار اقتصادی به معنای این است که در کشور، بیکاری وجود نداشته باشد؛ اشتغال وجود داشته باشد؛ تولید صنعتی و کشاورزی در حد مطلوب باشد؛ از منابع و معادن کشور به نحو بهینه استفاده شود» (سخنرانی در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۰/۲/۲۸)؛ «اگر استقلال اقتصادی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، یعنی در مسئله اقتصاد نتوانست خودش تصمیم بگیرد و روی



پای خود بایستد استقلال سیاسی این کشور تحقق پیدا نمی‌کند؛ و اگر استقلال سیاسی یک جامعه‌ای تحقق پیدا نکرد، بقیه حرف‌ها، جز حرف، چیز دیگری نیست. تا یک کشور اقتصاد خود را قوی نکند، پایدار نکند، متکی به خود نکند، مستقل نکند، نمی‌تواند از لحاظ سیاسی و فرهنگی و غیره تأثیرگذار باشد» (بیانات در اجتماع کارگران کارخانجات تولیدی داروپخش، ۱۳۹۱/۲/۱۰).

۳. رابطه انتظار و قدرت

بررسی و تحلیل رابطه «انتظار» و «قدرت»، به نوع تلقی ما نسبت به ماهیت «انتظار» و اقتضائات تحقق جامعه منتظر وابسته است. در این باره، به طور کلی دو تفسیر و دیدگاه وجود دارد:

۱-۳. نگرش عمل‌گرایانه و تکلیف‌اندیش

نگاه نخست، نگاه تکلیف‌اندیش، عمل‌گرا و معطوف به قدرت است که بر پیوند ناگسستنی انتظار و رفتار مصلحانه جامعه منتظر، تأکید می‌ورزد. در این نگرش، «انتظار» مفهوم دینی و سیاسی تعهدآوری است که انسان منتظر را به عمل به تکالیف دینی و تلاش برای فراهم سازی مقدمات ظهور از راه گسترش فضیلت‌های اخلاقی و مبارزه با مظاهر ظلم و پلیدی در جامعه، وا می‌دارد. براساس این دیدگاه، انتظار ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریع، به حاکمیت دینی و تهیه مقدمات قدرت مشروع معطوف است؛ به گونه‌ای که تعریف انتظار در ارتباط با عینیت یافتن قدرت اسلام و جریان آن در بستر زمان و مکان، مفهوم پیدا می‌کند. در این دیدگاه، انتظار حقیقی مستلزم اقتدار سیاسی است؛ زیرا جامعه منتظر بدون دستیابی به نهاد قدرت، نمی‌تواند به اهداف دینی خود جامه عمل بپوشاند. از این رو، امام خمینی در تبیین پیوند انتظار و قدرت، می‌فرماید: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود» (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۸، ص ۳۷۴).

براساس این نگرش، مفهوم حقیقی انتظار، در پرتو نگاه دین‌مدارانه و عمل به تکالیف سیاسی دین، معنا پیدا می‌کند؛ زیرا تحقق ارزش‌های دینی و اجرای احکام الهی در جامعه، مستلزم قدرت سیاسی است:



«اگر بخواهیم این معارف در فضای عقیدتی جامعه به معنای واقعی کلمه تحقق پیدا کند، بخواهیم این ارزش‌ها در عمل مردم، در رفتار مردم خودش را نشان بدهد، بخواهیم این احکام که وسیله پیشرفت و حرکت است، تحقق پیدا کند، احتیاج به قدرت سیاسی دارد؛ اگر قدرت سیاسی نباشد، قلدرها زیر بار نمی‌روند، تنبل‌ها انجام نمی‌دهند، یعنی آن مقصود نبوت‌ها حاصل نمی‌شود» (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران ۱۳۹۹/۰۱/۰۳).

از این رو، انتظار تحقق ولایت و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مستلزم ثبات قدم و تلاش و مجاهدت کسانی است که برای حاکمیت دین و اقتدار جامعه اسلامی، گام برمی‌دارند. همان گونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در سیزده سال حضور در مکه و پس از آن با هجرتش در مدینه، برای حاکمیت دین الهی و تصاحب قدرت توسط مسلمین تلاش ورزید و غزوه‌ها و سریه‌ها و نیز پیمان نامه‌های صلح آن حضرت، برای حاکمیت دین و اقتدار جامعه اسلامی بود.

۲-۳. نگرش عافیت طلبانه و تکلیف‌گریز

نگاه دوم، نگاه محافظه کارانه و تکلیف‌گریز است که مشخصه اصلی آن، انفعال، بی‌تفاوتی و حواله دادن اصلاح امور به آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ کسانی که با نگاه عافیت طلبانه و منفعلانه، سکوت در برابر گناه و ترویج آن را مهم‌ترین عامل تحقق ظهور و پایان دادن به غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پندارند و معتقدند که امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ظهور می‌کند که زمین از گناه لبریز شود. نمود این تفکر را می‌توان در برخی از جریان‌های به اصطلاح مذهبی معاصر مشاهده کرد که حضرت امام خمینی در باره آن تصریح داشته است:

.... برخی معتقداند عالم باید پر از معصیت بشود تا حضرت بیاید؛ برخی معتقد به لزوم دامن زدن به گناه است تا دنیا پر از ظلم و جور شود و حضرت تشریف بیاورند (امام خمینی، ۱۳۸۹: ج ۲۱، ص ۱۴).
 طرفداران این دیدگاه، با نگاه قشری و تمسک به ظاهر برخی روایات، قائل به حرمت تشکیل حکومت در عصر غیبت قائل بوده و تلاش و مبارزه علیه حکام جور را، بی نتیجه و محکوم به شکست می‌دانند و معتقدند که در زمان غیبت، راه دیگری جز سکوت وجود ندارد (ر.ک: قاسمی ۱۳۸۲: انتظار موعود، ش ۷، ص ۳۷۷-۳۹۲ و فوادیان، ۱۳۸۸: مشرق موعود، ش ۱۱، ص ۱۵۵-۱۸۹). براساس این برداشت نه تنها هرگونه تلاش در عصر غیبت برای برپایی حکومت اسلامی، باطل و بی‌ثمر است، بلکه هر نوع تلاش و برنامه ریزی در این زمینه، نتیجه عکس دارد و



موجب تأخیر قیام حضرت می‌گردد! این نگاه، نوعی تلقی انحرافی و کوتاه‌نگری به‌آموزه انتظار است که نتیجه‌ای جز رخوت، بی‌عملی و دوری جامعه منتظر از اهداف متعالی آن نخواهد داشت. این دو دیدگاه متفاوت در مسئله انتظار، در حقیقت معلول دو نوع نگاه در موضوع رابطه دین و سیاست است. از این رو، بدون درک صحیح از جایگاه قدرت در اندیشه دینی، نمی‌توان از رسالت دینی و سیاسی جامعه منتظر و نسبت آن با قدرت، سخن به میان آورد.

۳-۳. دیدگاه آیت الله خامنه‌ای

تأمل در بیانات آیت الله خامنه‌ای در مورد این موضوع، گویای اعتقاد عمیق ایشان به پیوند انتظار با قدرت و دیگر ابعاد سیاسی دین است. رهبر معظم انقلاب، مفهوم انتظار را در پرتو عمل به تکالیف سیاسی دین قابل تفسیر دانسته و معتقد است که آموزه انتظار همانند دیگر مفاهیم دینی، به تحقق قدرت اسلام و تلاش و مجاهدت برای مبارزه با طاغوت و رفع موانع ظهور معطوف است و این معنا، آن‌گاه عینیت می‌یابد که جامعه منتظر در تغییر وضع موجود به مطلوب، نقش آفرین باشند. ایشان، در تفسیر حقیقت انتظار می‌گوید:

«انتظار به معنای قانع نشدن به وضع موجود است. انتظار داریم، یعنی هرچه خیر و عمل خوب انجام دادیم و به وجود آمده، کم و غیرکافی است و منتظریم، تا ظرفیت نیکی عالم پُر بشود» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم ۱۳۶۹/۱۲/۱۱)؛ انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب. مسلّم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آنچنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷)؛ انتظار ایجاب می‌کند که انسان خود را به آن شکلی، به آن صورتی، به آن هیئت و خلّقی نزدیک کند که در دوران مورد انتظار، آن خلّق و آن شکل و آن هیئت متوقع است. این لازمه انتظار است وقتی بناست در آن دوران منتظر عدل باشد، حق باشد، توحید باشد، اخلاص باشد، عبودیت خدا باشد، ما که منتظر هستیم باید خودمان را به این امور نزدیک کنیم، خودمان را با عدل آشنا کنیم، آماده عدل کنیم، آماده پذیرش حق کنیم. انتظار یک چنین حالتی را به وجود می‌آورد» (بیانات در دیدار استادان و فارغ التحصیلان تخصصی مهدویت ۱۳۹۰/۰۴/۱۸).



در منظر آیت الله خامنه‌ای، مفهوم «انتظار» و «قدرت» پیوند وثیقی با یکدیگر دارد؛ چرا که انتظار حاکمیت دین در جامعه بدون قدرت سیاسی، میسور نمی‌باشد. این نگرش برخاسته از درک جامع و عمیق ایشان نسبت به آموزه‌های سیاسی اسلام و مسئله قدرت و حکومت است؛ زیرا مسئله حکومت و قدرت سیاسی به دلیل تأثیرات وسیع آن در جهت‌گیری‌های کلی جامعه به سمت هدایت یا ضلالت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همان‌گونه که قرآن فلسفه بعثت انبیا را الزام مردم به اطاعت از آنان بیان کرده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ (نساء: ۶۴). این اطاعت‌پذیری مستلزم اقتدار و حاکمیت سیاسی و در اختیار داشتن سازکارهای اجرایی تحقق احکام دین در جامعه است.

ایشان، در تبیین آیه مذکور، می‌فرماید:

«پیامبر نیامد که نصیحتی بکند، حرفی بزند، مردم هم کار خودشان را بکنند و به او هم احترامی بگذارند؛ آمد تا مورد اطاعت قرار بگیرد، جامعه و زندگی را هدایت کند، نظام را تشکیل بدهد و انسان‌ها را به سمت اهداف زندگی درست پیش ببرد (سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان کشوری و لشکری و میهمانان شرکت‌کننده در کنفرانس وحدت اسلامی ۱۳۶۹/۷/۱۶)؛ انبیاء کارشان مسئله‌گویی فقط نبود... انبیا برای اقامه حق، برای اقامه عدل، برای مبارزه با ظلم، برای مبارزه با فساد قیام کردند، برای شکستن طاغوت‌ها قیام کردند... جان خودشان را کف دست گذاشتند، در مقابل ظلم ساکت ننشستند، در مقابل زورگویی ساکت ننشستند، در مقابل اضلال مردم سکوت نکردند (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان ۱۳۸۸/۲/۲۳)؛ مهم‌ترین کار انبیای عظام الهی مقابله با طواغیت است. اگر انبیا با طواغیت عالم و طغیانگران تاریخ برخورد نداشتند، احتیاج به جنگ و جدل نبود» (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ۱۳۸۰/۱۲/۲۷).

از این رو، قرآن کریم جامعه اسلامی را به تصاحب منابع قدرت فرا خوانده است: ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾ (انفال: ۶۰) این قوّت دارای ابعاد وسیعی است؛ قوّت اقتصادی، علمی، تبلیغی، فرهنگی و سیاسی را در بر می‌گیرد (سخنرانی نوروزی، به مناسبت آغاز سال نو و عید مبعث ۱۳۹۹/۰۱/۰۳). این فراخوان، برای آن است که حاکمیت دین و اصلاح امور جامعه، بدون در اختیار داشتن ابزار قدرت و تشکیل حکومت، امکان‌پذیر نیست:



«دین اگر با قدرت همراه شود، خواهد توانست گسترش و بسط پیدا کند؛ اهداف و آرزوهای دینی را تحقق ببخشد و آرمان‌هایی را که دین شعار آن‌ها را میداده است، در جامعه به وجود آورد. این‌ها بدون قدرت امکان ندارد» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۵/۰۹/۱۹). از این رو، «مهم‌ترین و حساس‌ترین مسئله هر ملتی، همین مسئله حکومت و ولایت و مدیریت و حاکمیت ولایتی بر آن جامعه است، این تعیین‌کننده‌ترین مسئله برای آن ملت است» (بیانات در دیدار با مسولان نظام به مناسبت عید سعید غدیره ۱۳۶۹/۴/۲)؛ «مسئله حکومت در نظام اسلامی اگر نگوئیم اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسئله از مسائل اسلامی است، حداقل در ردیف چند مسئله درجه اول اهمیت در اسلام است. اگر مسئله حکومت را، مسئله ولایت را از دین بگیرند دین یک مجموعه احکام متفرق و متشتتی خواهد شد که یقیناً نخواهد توانست رسالت اصلی خودش را که هدایت انسان‌ها و ایجاد بهشت در این دنیا و به کمال رساندن انسان‌هاست به انجام برساند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳: ص ۲۲۹).

در تفکر اسلامی، مسئله قدرت و حکومت، نه به خاطر نفس قدرت، بلکه بدان سبب که ابزاری تسهیل‌کننده برای اجرای عدالت اجتماعی و بسط ارزش‌های دینی است، دارای اهمیت است. از این رو، در آموزه‌های قرآنی و سیره عملی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان دین، توجه ویژه‌ای به این موضوع شده است؛ زیرا مبارزه علیه دستگاه جور برای حاکم کردن نظام سیاسی امامت، از امور مسلم تاریخ زندگی ائمه معصومان علیهم السلام است و تلاش برای استقرار ارزش‌های الهی و حاکمیت دین در جامعه، هدف مهم قیام پیشوایان دین و ائمه معصومان علیهم السلام علیه دستگاه جور بوده است که بیش از دو قرن برای تحقق آن مبارزه کردند:



«این رشته، همان خط جهاد و مبارزه ائمه علیهم السلام است که در تمام دوران دویست و پنجاه ساله و در شکل‌های گوناگون استمرار داشته و هدف از آن، اولاً، تبیین اسلام ناب و تفسیر صحیح قرآن و آرایه تصویری روشن از معرفت اسلامی است و ثانیاً، تبیین مسئله امامت و حاکمیت سیاسی در جامعه اسلامی و ثالثاً، تلاش و کوشش برای تشکیل آن جامعه و تحقق بخشیدن به هدف پیامبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله و همه پیامبران؛ یعنی اقامه قسط و عدل و زدودن اُنداد الله از صحنه حکومت و سپردن زمام اداره زندگی به خلفا الله و بندگان صالح خداوند» (پیام به سومین کنگره جهانی امام رضا علیه السلام ۱۳۶۸/۰۷/۲۶)؛ «آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم السلام جداً می‌خواستند نظام

اسلامی به وجود آورند. در این که حرکت آن‌ها برای این مقصود بوده است، شکی نیست» (سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز ۱۱/۵/۱۳۶۸).

با این نگرش، روشن می‌شود که انتظار حقیقی، مستلزم تلاش جامعه منتظر برای تحقق ارزش‌های دینی و اجرای عدالت در جامعه از راه در اختیار گرفتن نهاد قدرت است تا پشتوانه برای صیانت از کیان جامعه اسلامی در برابر دشمنان باشد:

«اگر نظام سیاسی کشور بر پایه شریعت اسلامی و تفکر اسلامی نباشد، امکان ندارد که اسلام بتواند با ستمگران عالم، با زورگویان عالم، با زورگویان یک جامعه، مبارزه واقعی و حقیقی بکند» (بیانات، ۱۳۸۹/۳/۱۴). «اسلام ناب، اسلامی است که باید ابوجهل‌ها از آن بترسند... همه بشریت متدین، منتظر مصلح است و همه مسلمین، منتظر مهدی موعودند و خصوصیت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ در نظر مسلمانان این است که: «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهَ الْأَرْضِ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا» عدل و داد، استقرار عدالت در جامعه، از بین بردن ظلم از سطح زمین، خصوصیت مهدی موعود است» (سخنرانی رهبر معظم انقلاب، ۱۳۶۸/۳/۱۰).

بنابراین، اسلام دینی است که وضعیت حال و آینده بشر را پوشش داده و احکام سیاسی و حکومتی آن در دوران غیبت نیز قابل اجرا است. این ویژگی اقتضا می‌کند که جامعه منتظر، تسخیر و تصاحب هسته‌های قدرت از چنگال مستکبران عالم را، وجهه اصلی همت خود سازند تا بتوانند به رسالت دینی خویش در استقرار عدالت و قوانین الهی در جامعه، عمل کنند.

۴. الزامات انتظار معطوف به قدرت

شکل‌گیری حاکمیت دینی در عصر انتظار، الزاماتی را می‌طلبد که توجه به آن، امکان در اختیار گرفتن زمام قدرت در یک فرایند تدریجی را میسر می‌سازد. در این جا با استفاده از بیانات رهبر معظم انقلاب، به برخی از مهم‌ترین الزامات انتظار معطوف به قدرت، اشاره می‌شود:

۱-۴. اعتقاد جازم به غلبه جبهه حق و شکست باطل

از آن جا که انتظار ظهور، در حقیقت انتظار قدرت اسلام و نفی سلطه طاغوت است؛ نخستین بایستگی چنین انتظاری، ایمان و اعتقاد راسخ پیروان جبهه حق به پیروزی بر جریان باطل در این تقابل است. از این رو، رهبر معظم انقلاب، مهم‌ترین درس انتظار را، باور عمیق به شکست حتمی جریان ظلم و ستم و زوال و نابودی قدرت‌های ستمگر در جهان می‌داند:



«اولین درس عملی از این موضوع این است که نابود کردن بنای ظلم در سطح جهان، نه فقط ممکن است، بلکه حتمی است... ما می‌گوییم، می‌شود نقشه سیاسی دنیا را عوض کرد؛ می‌شود با ظلم و مراکز قدرت ظالمانه درگیر شد و در آینده نه فقط این معنا امکان‌پذیر است، بلکه حتمی است. وقتی ملتی معتقد است نقشه ظالمانه و شیطانی امروز در کلّ عالم قابل تغییر است، آن ملت شجاعت می‌یابد و احساس می‌کند دست تقدیر، تسلّط ستمگران را برای همیشه به‌طور مسلّم نوشته است (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت عید نیمه شعبان ۱۳۸۱/۰۷/۳۰)؛ «امروز ما انتظار فرج داریم؛ یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان‌ها بوزاند، تا انسان‌ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به‌طور طبیعی حالت انتظار دارد» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

در نگرش آیت‌الله خامنه‌ای، اولین گام جامعه منتظر در عرصه دینداری، مبارزه با طاغوت در هر برهه و مکانی از جهان اسلام است تا مردم، خود را برای پیوستن به جریان ظلم‌ستیزی در گستره جهانی مهیا کنند. ایشان، عقیده به مهدویت را عامل مقاومت در برابر قدرتهای ستمگر می‌داند که نتیجه آن قیام علیه مستکبران و ظالمان و برچیدن حکومت آنان است:

«موضوع امام زمان عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشروع، انتظاری در دل همه قشرهای بشر و ملت‌های عالم است. امیدی است در دل بنی‌آدم؛ که تاریخ بشریت به سمت صلاح حرکت می‌کند. این امید، به بازوان قوت می‌بخشد، به دل‌ها نور می‌دهد و معلوم می‌کند که هر حرکت عدالت‌خواهانه‌ای، در جهت قانون و گردش طبیعی این عالم و تاریخ بشر است» (بیانات در دیدار مهمانان خارجی دهه فجر در روز نیمه شعبان ۱۳۷۱/۱۱/۱۸). «ملتی که به خدا معتقد و مؤمن و متکی است و به‌آینده امیدوار است و با پرده نشینان غیب در ارتباط است؛ ملتی که در دلش خورشید امید به‌آینده و زندگی و لطف و مدد الهی می‌درخشد، هرگز تسلیم و مرعوب نمی‌شود و با این حرف‌ها، از میدان خارج نمی‌گردد. این، خصوصیت اعتقاد به آن معنویت مهدی - علیه آلاف التحیه والثناء - است. عقیده به امام



زمان، هم در باطن فرد، هم در حرکت اجتماع و هم در حال و آینده، چنین تأثیر عظیمی دارد»
(بیانات در دیدار در روز میلاد پربرکت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱۳۷۴/۱۰/۱۷).

از منظر آیت الله خامنه‌ای، اندیشه انتظار، کانون الهام بخشی است که انگیزه عدالت خواهی و جهاد و مبارزه در برابر ظالمان و مستکبران را در وجود انسان بر می‌انگیزد. آنچه در صحنه مبارزه با دشمن ثمر بخش است، عقیده نیرومند مهدویت و امید به آینده است که همانند روح در کالبد بی جان جامعه کارساز است. به هر میزان این امید و اعتقاد، عمیق و پررنگ باشد، آثار فوق العاده آن در مقاومت سازی ملت‌ها در برابر سلطه بیگانگان آشکار می‌شود:

«این نور امید است که جوان‌ها را به انگیزه و حرکت و نشاط وادار می‌کند و از دل مردگی و افسردگی آن‌ها جلوگیری می‌کند و روح پویایی را در جامعه زنده می‌کند. این، نتیجه انتظار فرج است. بنابراین، هم باید منتظر فرج نهایی بود، هم باید منتظر فرج در همه مراحل زندگی فردی و اجتماعی بود» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان ۱۳۸۴/۰۶/۲۹)؛ «کسی که مشغول مجاهدت است، حق ندارد ناامید شود؛ چون یقیناً پیروزی در انتظار اوست. آن مواردی که پیروزی به دست نیامده و ناکامی حاصل شده است، به این خاطر بوده که مجاهدت فی سبیل الله نبوده است؛ یا اگر مجاهدت بوده، فی سبیل الله نبوده؛ یا اصلاً مجاهدت نبوده است» (بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹/۹/۱۲).

بنابراین، مهم‌ترین اثر انتظار، تقویت اعتماد به نفس و مقاومت در برابر سختی‌ها و دشمنی‌ها است.

۲-۴. نقش آفرینی در شکل‌گیری و گسترش قدرت حق

از منظر آیت الله خامنه‌ای، غایت انتظار، تشکیل حکومت جهانی اسلام و سیطره قدرت حق به وسیله حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است که با طلوع آن خورشید ولایت، همه اهداف مادی و معنوی جامعه بشری، محقق می‌گردد. این نگرش مستلزم نقش آفرینی جامعه منتظر در این فرایند است:

«ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است» (بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

از این رو، تلاش و مجاهدت برای شکل‌گیری قدرت و صبر و استقامت در این مسیر، از دیگر الزامات تحقق این هدف در عصر انتظار است:



«انتظار فرج معنایش این نیست که انسان بنشیند، دست به هیچ کاری نزند، هیچ اصلاحی را و جبهه همت خود نکند، صرفاً دل خوش کند به این که ما منتظر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هستیم. این که انتظار نیست. انتظار چیست؟ انتظار دست قاهرِ قدرتمندِ الهی ملکوتی است که باید بیاید و با کمک همین انسان‌ها سیطره ظلم را از بین ببرد و حق را غالب کند و عدل را در زندگی مردم حاکم کند و پرچم توحید را بلند کند؛ انسان‌ها را بنده واقعی خدا بکند. باید برای این کار آماده بود» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در روز نیمه شعبان ۱۳۸۷/۰۵/۲۷).

ایشان، اعتقاد به مهدویت را، پشتوانه عظیم فکری برای مجاهدت و تلاش در راه سیطره قدرت حق و مبارزه با موانع و قدرت‌های ستمگر دانسته است، می‌گوید:

«انتظار، گنجینه عظیمی است که ملت‌ها می‌توانند از آن بهره‌های فراوانی ببرند. اگر این ملت و جماعت، امیدی در دلشان باشد و بدانند که عاقبت خوبی حتماً وجود دارد، چه می‌کنند؟ طبیعی است که مبارزه خواهند کرد و مبارزه را نظم خواهند داد و اگر مانعی در راه مبارزه وجود داشته باشد، آن را بر طرف خواهند کرد. این، نقش اعتقاد به مهدی موعود است. این عقیده است که شیعه را تا امروز، از آن همه پیچ و خم‌های عجیب و غریبی که در سر راهش قرار داده بودند، عبور داده است» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم در نیمه شعبان ۱۳۷۴/۱۰/۲۷).

از منظر رهبر معظم انقلاب، سیطره قدرت حق و گسترش آن، نیازمند مجاهدت مستمر در این راه است، همان‌گونه که مفهوم انتظار، نوعی آرمان‌خواهی عملگرایانه است و تلاش مستمر برای پیشرفت و ترقی، از لوازم آن شمرده می‌شود: «اعتقاد به مهدویت یک آرمان والا است... اما این آرمانی است که باید به دنبال آن عمل بیاید» (بیانات در دیدار قشرهای مختلف مردم به مناسبت نیمه شعبان در مصلاهی تهران ۱۳۸۱/۰۷/۳۰). بنابراین، امید به تنهایی کفایت نمی‌کند امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «لَا تَكُنْ مِّنْ يَّرْجُو الْآخِرَةَ بَعِيرٍ عَمَلٍ»؛ از کسانی مباش که بدون عمل به آخرت امید دارند» (دیلمی، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۱۴۴ و صبحی صالح، ۱۳۹۴: ص ۴۹۷). بلکه باید با تلاش و مجاهدت در راه هدف همراه باشد؛ زیرا امید بدون عمل و اقدام برای اصلاح و پیشرفت، آرزوی مذموم و بی‌ثمر خواهد بود؛ چرا که دستیابی به اهداف مطلوب بدون تلاش و مجاهدت و ثبات قدم در سختی‌ها و دشواری‌ها، امکان‌پذیر نخواهد بود:

ما آن وقتی می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیاییم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی و حاکمیت قرآن و اسلام است (بیانات در دیدار مردم قم ۱۳۷۰/۱۱/۳۰).

بدیهی است، تلاش و مجاهدت در راه هدف، آن‌گاه ثمربخش است که با صبر و استقامت همراه باشد. در تقابل حاکمیتی نیز، مقاومت و پایداری و عدم انحراف و تزلزل در برابر سختی‌ها، فشارها و ترفندهای دشمن لازم است. از این رو، قرآن کریم بارها از استقامت و پایداری در پیکار با دشمن سخن به میان آورده و مسلمانان را به این امر ترغیب کرده است؛ چنان که می‌فرماید:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾؛ محققاً آنانی که گفتند پروردگار ما خداست و در این راه ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد» (احقاف: ۱۳). عقیده به مهدویت و احساس وابستگی به وجود مقدس امام عصر عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحْمَنِ نیز، روح خود باوری و مقاومت در برابر موانع و مشکلات را در وجود انسان بر می‌انگیزد و امید به پیشرفت و تحقق هدف را در دل‌ها روشن نگه می‌دارد.

۳-۴. تلاش پیوسته برای تبدیل استضعاف به اقتدار

یکی دیگر از الزامات انتظار معطوف به قدرت، تلاش پیوسته و هدفمند جامعه منتظر برای شکل‌گیری مؤلفه‌های قدرت و خروج جامعه منتظر از حالت «استضعاف سیاسی» به «اقتدار سیاسی» است.

کلمه «استضعاف» مفهومی قرآنی است که در برابر «استکبار» به کار رفته و بیانگر حرکت حق طلبانه توده‌های ضعیف شده در برابر گروه زورگو و تمامیت خواه است: ﴿قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعُّوا﴾ (اعراف: ۷۵). تقابل گروه «مستضعفان» در برابر حاکمیت «مستکبران» در طول تاریخ جریان داشته و همواره گروه مستکبر، علت و منشاء اصلی گرفتاری‌ها و مصیبت‌های بشر بوده‌اند:

بخش عظیمی از جامعه بشری دچار محرومیت از نعم الهی بر روی زمین‌اند، به خاطر همین است. نفسانیاتِ مجموعه ستمگر، ظلم را به وجود می‌آورد. مجموعه مستکبر، استضعاف را



به وجود می آورد. مجموعه تمامت خواه و فزون طلب و بیرحم، فقر را به وجود می آورد، گرسنگی را به وجود می آورد (بیانات در دیدار شرکت کنندگان در هفدهمین اجلاس نماز ۱۳۸۷/۰۸/۲۹).

تنها راه برون رفت از این وضعیت نیز، تغییر این معادله به نفع جبهه حق و تبدیل استضعاف اجتماعی به اقتدار اجتماعی است و این امر بدون تصاحب مراکز قدرت و اصلاح ساختار سیاسی در جوامع اسلامی، ممکن نخواهد بود.

بررسی شرایط عصر انتظار و تحلیل عوامل طبیعی و اجتماعی رخداد غیبت نیز، بیانگر این واقعیت است که مهم ترین عامل پیدایش و تداوم غیبت، فقدان اقتدار اجتماعی و سیاسی جامعه منتظر بوده است؛ به گونه ای که امکان حضور اجتماعی رهبر سیاسی جامعه دینی را، منتفی کرده است. لذا تا زمانی که ناهمراهی ها، به همراهی و ناهمگونی ها به سنخیت تبدیل نشود و زمینه های لازم برای شکل گیری اقتدار اجتماعی و تغییر وضعیت موجود به مطلوب، فراهم نگردد، انتظار ظهور، مفهوم روشنی نخواهد داشت. از این رو، بحث از عینیت یابی معنای انتظار و اهداف و مقاصد آن، به اقداماتی نیازمند است که به اقتدار اجتماعی جامعه منتظر و تشکیل حکومت منتهی شود؛ چرا که بدون حاکمیت و ایجاد زمینه های اقتدار سیاسی، امکان نقش آفرینی مؤثر در این فرایند، میسر نمی گردد.

بدون شک، فرایند تبدیل استضعاف به اقتدار، بدون اراده معطوف به قدرت مشروع، ممکن نخواهد بود. از این رو، آیت الله خامنه ای، ویژگی مهم انقلاب اسلامی را، تمرکز به مسئله قدرت و ایجاد دگرگونی بنیادین در نظام سیاسی دانسته و مهم ترین ثمره انقلاب اسلامی را تشکیل حکومت اسلامی برشمرده است که خروج از استضعاف و تحقق اقتدار اجتماعی، از آثار قهری آن است:

یکی از افتخارات جمهوری اسلامی این است که توانسته ولایت اسلامی را پیاده کند. ما هنوز نتوانسته ایم خیلی از احکام اسلامی را به طور کامل تحقق ببخشیم. یک جامعه، تا به طور کامل اسلامی بشود، زمان زیادی لازم است؛ لکن بحمدالله مسئله حکومت و ولایت، در جامعه اسلامی ما تحقق بخشیده شد. شکل اسلامی، علی رغم طرد و نفی و بغض و عناد قدرت های جهانی، در جامعه ما پیاده شد (سخنرانی رهبر معظم انقلاب در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، به مناسبت عید سعید غدیر ۱۳۶۹/۴/۲۰).



بنابراین، تبدیل حالت استضعاف، به اقتدار اجتماعی و سیاسی، دارای فرایندی است که اوج آن در عصر ظهور تحقق می‌یابد؛ زیرا در عصر ظهور نیز، برای تشکیل حکومت عدل الهی، به چیزی به نام اقتدار اجتماعی نیاز است. همان‌گونه که استضعاف اجتماعی جامعه دینی در عصر پیش از ظهور، علت غیبت و تداوم آن شده است، اقتدار اجتماعی جامعه زمینه‌ساز پایان غیبت و تشکیل حکومت عدل جهانی خواهند شد. در حقیقت، دوران انتظار دورانی است که باید در آن امکان اجتماعی برای برپایی حکومت حق به وجود آید.

علاوه بر آنچه اشاره گردید، توجه به دیگر عناصر و مؤلفه‌های شکل‌گیری قدرت در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، مانند تقویت بنیادهای فکری فرهنگی جامعه دینی، اصلاح ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، تلاش برای ارتقای بینش سیاسی افراد جامعه و نهادینه سازی مشارکت اجتماعی، توجه به عنصر عدالت طلبی، ظلم ستیزی و آرمان خواهی؛ از دیگر الزامات انتظار معطوف به قدرت شمرده می‌شود که نقش اساسی در تسریع و تقویت این فرایند خواهند داشت و تبیین آن مجال دیگری می‌طلبد.



نتیجه گیری:

از آنچه گذشت به خوبی روشن گردید که یکی از ابعاد مهم مسئله انتظار، که در بیانات رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت الله خامنه‌ای مورد توجه ویژه قرار گرفته، واکاوی رابطه «انتظار» با مسئله «قدرت» است. این بحث به دلیل تأثیرات عمیق سیاسی و اجتماعی آن، نقش مهمی در وضعیت جامعه اسلامی عصر غیبت دارد.

تحلیل چگونگی رابطه انتظار و قدرت، بیش از هر چیز، به نوع تلقی جامعه اسلامی نسبت به رابطه دین و سیاست عموماً و کارکردهای سیاسی مسئله انتظار به طور خاص، وابسته است. دیدگاه آیت الله خامنه‌ای در این زمینه، بسیار روشن و راهگشاست. ایشان مسئله انتظار را همانند سایر آموزه‌های دینی، دارای صبغه سیاسی می‌داند و میان مفهوم انتظار و قدرت پیوند قائل است. از منظر رهبر معظم انقلاب، اندیشه انتظار، کانون الهام بخشی است که انگیزه جهاد و مبارزه در برابر ظالمان و مستکبران را در وجود انسان‌های مؤمن بارور نموده و عزم و اراده جامعه منتظر را برای پیروزی جبهه حق بر باطل و زوال و نابودی قدرت‌های طاغوتی و مستکبر، استوار می‌کند.

از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، نقش آفرینی جامعه منتظر در فرایند شکل‌گیری و گسترش قدرت حق که نتیجه و غایت آن تشکیل حکومت جهانی اسلام به وسیله حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ از مهم‌ترین الزامات انتظار معطوف به قدرت شمرده می‌شود. از دیدگاه ایشان، مهم‌ترین عامل استضعاف جامعه اسلامی و تداوم آن، مهجور بودن احکام سیاسی اسلام در جامعه و فقدان اراده سیاسی برای تبدیل استضعاف به اقتدار بوده است. تلاش مؤثر جامعه منتظر به منظور تغییر وضع موجود از حالت استضعاف سیاسی به اقتدار سیاسی، برای فراهم سازی زمینه‌های اجتماعی حکومت عدل جهانی مهدوی، از دیگر الزامات انتظار معطوف به قدرت است. جامعه اسلامی با ایجاد بنیادهای اجتماعی قدرت، می‌تواند در مسیر عزت، اقتدار و شکوفایی مادی و معنوی خویش گام بردارند. نمونه روشن آن، انقلاب اسلامی است که با تصاحب قدرت سیاسی، تحول بنیادینی را در عرصه جهانی پدید آورد و الهام بخش جوامع مستضعف جهان گردید.



منابع

- قرآن کریم

۱. اسکندری، محمد حسین و دارابکلایی، اسماعیل (۱۳۸۳). *نژوهشی در موضوع قدرت، انواع، منابع، پیامدها و کنترل آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۷۰). *دانشنامه سیاسی فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی*، تهران، سپهرودی.
۳. بخشایشی اردستانی، احمد (۱۳۹۸). *اصول علم سیاست*، تهران، آوای نور.
۴. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵). *فرهنگ ابجدی عربی فارسی (ترجمه کامل المنجد الابجدی)*، مترجم: رضا مهیار، تهران، اسلامی.
۵. پسندیده، عباس (خرداد ۱۳۸۷). *آخرین دولت، دولت مستضعفان، ماهنامه موعود*، شماره ۸۸.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق). *الصاحح- تاج اللغة و صحاح العربیه*، محقق/ مصحح: احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
۷. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳). *ولایت و حکومت: بیانات مقام معظم رهبری درباره ولایت و حکومت*، تحقیق و تنظیم: مرکز صهبا، ناشر: موسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی.
۸. _____ (۱۴۰۲). *نرم افزار حدیث ولایت ۳* (مجموعه بیانات و پیام‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از سال: ۱۳۵۷ تا ۱۴۰۲ و آثار انتشارات انقلاب اسلامی).
۹. خمینی، روح‌الله (۱۳۸۹). *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۱). *لغتنامه دهخدا*، تهران، شرکت چاپ افست گلشن.
۱۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، شریف رضی.
۱۲. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر.
۱۳. صبحی صالح (۱۳۹۴ق). *نهج البلاغه*، مترجم: سیدعلی موسوی گرمارودی، بی‌جا، قدیانی.
۱۴. صباغیان، علی، (سایت روزنامه همشهری <https://.hamshahronline.ir/news/21739>).
۱۵. صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۰۵ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، محقق: علی‌اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.



۱۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۳). *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نشر نی.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۶). *فقه سیاسی*، تهران، امیرکبیر.
۱۸. فؤادیان، محمد رضا (۱۳۸۸). *بررسی ادله نفی قیام‌های پیش از ظهور (۱)*، مشرق موعود عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِيفَ، سال سوم، شماره ۱۱، قم، مؤسسه آینده روشن.
۱۹. قاسمی، محمد علی (۱۳۸۲). *نقد و بررسی روایات نافی حکومت و قیام در عصر غیبت*، انتظار موعود عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِيفَ، سال چهارم، شماره ۷، قم، مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَّمَ اللَّهُ تَعَالَى رُوحَهُ الشَّرِيفَ.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*، مصحح و محقق: جمعی از محققان، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۱. معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.